

روایت گذشته و حال ۲ کوچه آخوند خراسانی ۷ و ۸

خواجه روشنایی پشت کنسولگری است؟

رضا سلیمان نوری | یکی از کوچه‌های قدیمی مشهد که در جریان طرح توسعه مشهد در دوران نایب‌التولیتی محمدولی اسدی و استانداری محمود جم‌دوتکه‌شد،کوچه موسوم به پشت کنسولگری آن دوران بود. این کوچه از سال ۱۳۱۳ خورشیدی که در جریان ایجاد خیابان خاکی آن دوران و آخوندخراسانی کنونی قبرستان محلی داخل آن تخریب شد، تا امروز با وجود تغییر وتحولات گسترده در بافت بناهای داخلی آن تقسیم دیگری را شاهد نبوده و از همان زمان به‌صورت دو کوچه مجزا اما با گذشته مشترک به حیات خود ادامه داده است.



تصویر حسینه و مسجد خواجه روشنایی

دوران قاجار

کوچه مدنظر این نوشتار در دوران قاجار مسیر ارتباطی دو باغ بوده است. البته مسیری که در حاشیه آن خانه‌های چندی هم وجود داشته و چندین مسیر بن‌بست یا دارای ارتباط با دیگر کوچه‌ها نیز از آن جدا می‌شده است. براساس آنچه در نقشه سال۱۲۴۸ مشهد موسوم به نقشه الدمج ترسیم شده است، در آن دوران که هنوز کنسولگری بریتانیا در محدوده ارگ مشهد ایجاد نشده بود، این کوچه از انتهای محوطه باغ دیوانی آغاز می‌شده و پس از عبور از حاشیه قبرستان کوچک محلی خواجه‌روشنایی و محوطه سبز خواجه در مجاورت باغ سیدخادم‌باشی به‌طرف کوچه حوض مونس آن دوران منحرف می‌شده و سپس با ادغام در این کوچه به‌سمت بازار ادامه پیدا می‌کرده است. البته در حاشیه این کوچه در آن زمان به‌جز قبرستان کوچک محلی اشاره‌شده، تکیه خواجه‌روشنایی، یک مهمان‌خانه، یک طولیله و یک حوض آب هم وجود داشته است. این نقشه همچنین نشان می‌دهد که از چهار کوچه انشعابی از سویه جنوبی این کوچه در نیمه قرن سیزدهم خورشیدی سه کوچه بن‌بست بوده و فقط یکی از آن‌ها در مجاورت باغ و خانه اوطقان‌میرزا به کوچه ارگ متصل می‌شده است، اما هر سه کوچه فرعی سویه شمالی کوچه با پیوستن به کوچه حوض مونس آن زمان راه خروجی داشته‌اند. ایجاد کنسولگری انگلستان در دهه‌های پایانی قرن سیزدهم خورشیدی در بخش عمده‌ای از محوطه باغ ایوانی را باید بزرگ‌ترین تحول ایجادشده در دوران قاجار در این کوچه دانست. پس از ایجاد این مجموعه بود که به‌دلیل قرارگرفتن این کوچه در پشت کنسولگری و بازشدن یکی از درهای آن در این کوچه، مسیر مدنظر در بین مردم به کوچه پشت کنسولگری معروف شد.

سال‌های نخستین سده چهاردهم

وضعیت کوچه پشت کنسولگری تا نیمه نخست دهه دوم قرن چهاردهم خورشیدی نسبت به سال‌های نخست پس از مشروطه تغییری محسوس پیدا نکرد و فقط برخی خانه‌ها نوسازی شد، اما در این دوران بزرگ‌ترین تحول شهرسازی تاریخ این کوچه رخ داد. مقامات شهر ابتدای سال۱۳۱۳ در راستای اقداماتی که برای برپایی هرچه بهتر هزاره فردوسی در شهر در جریان بود، سراغ کوچه پشت کنسولگری رفتند و تغییر در ساختار آن را برای گذر خیابانی جدید از این محدوده در دستورکار قرار دادند. گزارشگر روزنامه بهار در گزارشی که در شماره ۲۵فروردین۱۳۱۳ آن چاپ شده، به این موضوع اشاره کرده است: «در قسمت جنوبی خیابان شاه‌رضا نیز خاک‌برداری و تسطیح شروع شده است و قبرستان خواجه‌روشنایی که در وسط خیابان مزبور تلی تشکیل داده بود، خاک‌برداری شده و نقاطی که محتاج به خاک‌ریزی است، از خاک‌های آن خاک‌ریزی شده و روی آن‌ها با خاک‌های غیرقبرستان پوشیده می‌شود.»

همین روزنامه در شماره ۲۷شهریور۱۳۱۳ خود هم در ادامه به تغییرات در این محدوده اشاره کرده و آورده است: «قسمت جنوبی خیابان شاه‌رضا که چندی قبل از طرف اداره بلدیة امتداد داده شده بود، اما بعضی منازل دوطرف آن هنوز اقدام به‌خرابی نکرده بودند، به‌تازگی از طرف اداره بلدیة حرم خیابان تعیین و منازل واقع در مسیر خیابان را خراب کردند و در جنبین خیابان هم شروع به ساختمان‌سازی شده است.» بدین‌گونه بود که از سال۱۳۱۳ به بعد مردم مشهد بخش غربی کوچه را که اکنون آخوندخراسانی‌۷ نامیده می‌شود، به همان نام قدیم یعنی کوچه پشت کنسولگری معرفی می‌کردند و برای نام‌گذاری بخش غربی کوچه هم باتوجه‌به وجودتکیه‌کهن خواجه‌روشنایی، در ابتدای این مسیر از عنوان کوچه خواجه‌روشنایی استفاده کردند.

براساس نقشه‌های موجود، کوچه پشت کنسولگری آن زمان دارای یک فرعی بن‌بست در سمت شمالی بود، اما کوچه خواجه‌روشنایی چهار فرعی جنوبی شامل دو کوچه بن‌بست و شش فرعی شمالی را که فقط دو فرعی آن‌ها دارای راه خروجی بود، در خود جای داده بود.

خواجه‌روشنایی امروز

وضعیت تابلو ابتدای کوچه خواجه‌روشنایی امروز کمی با نیمه جداشده غربی‌اش فرق دارد. بر این تابلو علاوه بر عنوان آخوندخراسانی۸، نام یکی از شهدای این کوچه یعنی شهید محسن ظریف هم حک شده است. همچنین، بر بالای همین پایه، تابلو دیگری هم نصب شده است که حاکی از وجود دفتر یکی از مراجع تقلید خراسانی ساکن قم یعنی آیت‌ا... وحید خراسانی در این کوچه است. دیگر پلاک مهم کنونی این کوچه نیز یگانه بنای مذهبی آن یعنی مسجد و حسینیه خواجه‌روشنایی است که علاوه بر در اصلی آن که در این کوچه باز می‌شود، دری هم در حاشیه خیابان آخوندخراسانی دارد. درست مقابل این مسجد دری سبزرنگ قرار دارد که تا حدود پنج سال پیش چندین کاشی الوان بر بالای سردر آن نصب بود. روی این کاشی‌ها قید شده بود که این بنای ۲در۳مترمربعی آرامگاه حاجی میرزا علی صدراالاشرف تبریزی است که سال۱۳۲۳قمری برابر با ۱۲۸۴ خورشیدی یعنی دوران قاجار و پس از فوت وی روی قبر او ایجاد شده است. به‌عبارت بهتر، این بنای آجری ساده یگانه اثر باقی‌مانده از قبرستان کهن خواجه‌روشنایی مشهد است. پس از این بنا، تا کوچه حاج‌علی که فرعی چهارم جنوبی آخوندخراسانی۸ است، تنها نکته قابل‌توجه پلاک انتهایی فرعی اول است که دارای سایاط است. پس از کوچه حاج‌علی هم دو فرعی بن‌بست دیگر وجود دارد که در فرعی دوم که به نامدار مشهور است، خانه حاج محمدرضا دائمی عطاران، تاجر بزرگ ادویه مشهد، خودنمایی می‌کند که یگانه خانه باقی‌مانده از سال‌های پایانی دوران قاجار و ابتدای عهد پهلوی‌ها در این مسیر است. در بزرگ انتهای این مسیر که پلاک ۹۱ بر بالای آن ثبت شده هم آخرین پلاک مهم جنوبی این کوچه است که روزگاری میزبان اداره ژاندارمری مشهد و سپس دبیرستان دانش و بعد از آن طالقانی بوده و اکنون دبستان است.

اما در جانب شمالی کوچه هم پس از دفتر آیت‌ا... وحید خراسانی، باید از خانه تخریب‌شده در ابتدای فرعی نخست کوچه، خانه ساخته‌شده به سبک خانه‌های قاجاری در میانه این مسیر و پست برق محمودیه به‌عنوان سه بنای قابل‌توجه این بخش کوچه نام برد. سرانجام اینکه درست مقابل بنای نمای آجری قابل‌اعتنا از منظر معماری جانب شمالی کوچه، تنها انگشترسازی این مسیر هنوز در حال تولید این سوغات مشهد است.



موقعیت کوچه خواجه روشنایی در نقشه جولیس دالمج به سال ۱۲۴۸ خورشیدی

سال‌های میانی سده چهاردهم

مسیر مدنظر در سال‌های میانی سده چهاردهم تغییر عمده محسوسی را به خود ندیده است. شاید مهم‌ترین تغییرات این دوره این مسیر، افزایش کوچه‌های فرعی بخش غربی آن یا همان کوچه پشت کنسولگری از یک به دو و کاهش کوچه‌های فرعی سویه شمالی کوچه خواجه‌روشنایی از چهار به سه بوده است. علت این کاهش و افزایش هم تغییر حالت پلاک‌های موجود در این دو کوچه بود. ابتدا با تبدیل بخشی از باغات باقی‌مانده در مجاورت محدوده کنسولگری به پلاک‌های مسکونی کوچ‌های فرعی و بن‌بست در جانب شمالی، کوچه پشت‌کنسولگری ایجاد شد. چند سال بعد هم با خریداری پلاک‌های مجاور نخستین کوچه بن‌بست شمالی کوچه خواجه‌روشنایی توسط یک نفر و تخریب و بازسازی این پلاک‌ها به‌صورت یک مجموعه کوچه بن‌بست بین آن‌ها، از روی نقشه حذف شد. همچنین در این دوره نخستین فرعی جنوبی کوچه خواجه‌روشنایی هم با تبدیل پلاک بزرگ انتهای آن به چند پلاک کوچک‌تر کمی طولانی‌تر شد. ناگفته نماند که این کوچه از طریق کوچه‌ای که اکنون تابلو آخوندخراسانی۱۰ در ابتدای آن قرار دارد، از قدیم به خیابان آخوندخراسانی متصل بود.



موقعیت کوچه خواجه روشنایی در نقشه سال ۱۳۳۳



پشت کنسولگری امروز

تابلو آخوندخراسانی۷ معرف امروز، کوچه پشت کنسولگری یعنی بخش کوتاه‌تر این کوچه قدیمی است. بخش بزرگی از دیواره جنوبی و انتهایی این کوچه هنوز هم به کنسولگری اختصاص دارد. البته این کنسولگری برخلاف سال‌های نخست که در اختیار بریتانیا و سپس انگلستان بود، اکنون به کشور پاکستان اختصاص دارد. در بخش شمالی این کوچه البته مانند سال‌های میانی سده گذشته دو کوچه بن‌بست قرار دارد که پلاک انتهایی فرعی نخست که طولانی‌تر نیز هست، به ساختمان دفتر آیت‌ا... سیدمحمدکاظم اخوان‌مرعشی اختصاص دارد که یکی از محافل باشکوه روضه‌خوانی حسینی مشهد است. مجتمع مسکونی و حسینیة بیت‌الجداد^(ع) و مجتمع آموزشی خدماتی‌رفاهی سیلان، ویژه کارکنان استان اردبیل، نیز در این کوچه قرار دارند. همچنین، پلاک نخست این کوچه که در وضع کنونی خالی از سکنه است، از منظر معماری از بناهای ارزشمند پهلوی دوم مشهد است. بیشتر پلاک‌های بعدی این کوچه به‌ویژه در بن‌بست دوم اکنون خالی از سکنه هستند. همچنین، هر دو پلاک نخست این مسیر به فروشگاه‌های تزئینات برقی اختصاص دارد.



بزرگان کوچه

آیت‌ا... سیدمحمدکاظم اخوان‌مرعشی را باید شناخته‌شده‌ترین فردی لقب داد که مدتی از عمرش را در بخشی از کوچه پشت کنسولگری قدیم پشت‌سر گذاشته است. این روحانی مبارز که در دوران پیروزی انقلاب اسلامی از چهره‌های پیشرو روحانیت بود و بین مردم به «آیت‌ا... صدتاتانک» مشهور شده بود، چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی از کوچه میرعلی‌خان به خانه‌ای در انتهای فرعی نخست کوچه آخوندخراسانی۷ کنونی نقل مکان کرد و تا پایان عمر یعنی اواسط دهه۸۰ سده چهاردهم در این خانه سکونت داشت. دیگر چهره منتقد ساکن این کوچه، حاج محمدرضا دائمی عطاران، تاجر بزرگ ادویه و گیاهان دارویی ابتدای سده گذشته است که خانه وی اکنون لقب قدیمی‌ترین خانه کوچه خواجه‌روشنایی را در اختیار دارد. یکی دیگر از شخصیت‌های ساکن این کوچه که کمتر شناخته شده است، ام‌السلمه خانم، دختر حاجی عسکر و همسرش کربلایی عسکر حدادیان است که بنای مسکونی خود در این کوچه را وقف تکیه آن زمان و مسجد و حسینیه کنونی خواجه‌روشنایی کرده است و اکنون مخارج این مجموعه را این موقوفه تأمین می‌کند. البته حاج‌علی که مدیریت حیطه حاج‌کلبعلی را در اختیار داشت هم یکی‌دیگر از چهره‌های برجسته ساکن این محدوده بود که در یکی از فرعی‌های کوچه خواجه‌روشنایی که به‌نام او معروف شده، سکونت داشته است.



اجباری که «فامیل» ما شد!

مروری بر اجباری‌شدن نام‌خانوادگی برای ایرانیان

حسین بیات‌درگذشته، احوال شخصی افراد در ایران به‌صورتی منظم ثبت نمی‌شد و اجباری به ثبت آن نبود. ولادت افراد معمولاً پشت قرآن یا کتاب دعا‌نوشته می‌شد، ثبت فوت به‌جز بر سنگ قبر، بسیار نادر بود، برای ازدواج و طلاق بعضی روحانیان و علمای مذهب دفتری داشتند و عقدنامه و طلاق‌نامه صادر می‌کردند، افراد را فقط با لقبی که از حکومت گرفته بودند یا اگر چنین لقبی نداشتند، به‌نام پدر یا جدشان می‌شناختند. در کل، وقایع و احوالات ایرانیان در هیچ کجا به‌صورت متمرکز ثبت نمی‌شد.

نخستین‌باری که لزوم ثبت متمرکز احوالات مردم به‌صورت جدی مطرح می‌شود، ۳اسفند۱۲۹۵ و یک‌سال‌واندی پس از آغاز جنگ جهانی اول است که به پیشنهاد نصرت‌الدوله، وزیر‌دادگستری، تصویب‌نامه‌ای مشتمل بر ۴۱ ماده به‌تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. این تصویب‌نامه نخستین گام در راه اجرای ثبت‌احوال در ایران است، اما به‌دلیل اشغال ایران به‌دست قوای انگلیس و روس در جریان جنگ، اوضاع بحرانی ایران و ناتوانی حکومت احمدشاه، اجرا نمی‌شود. دو سال بعد اوضاع ایران به‌دلیل قحطی ناشی از حضور قوای نظامی خارجی‌ها بدتر می‌شود، اما آذر۱۲۹۷ تصویب‌نامه دیگری در همین زمینه به تصویب می‌رسد و تنظیم سند سجلی مقرر و اجرای آن به بلدیة (شهرداری) تهران واگذار می‌شود. پس از تشکیل اداره سِجَل احوال و به‌استناد آنچه در تارنمای سازمان ثبت‌احوال کشور آمده است، اولین شناسنامه به شماره ۱ در بخش ۲ تهران در ۱۶آذر(قوس)۱۲۹۷ به‌نام فاطمه ایرانی صادر می‌شود. این نخستین‌بار است که نام‌خانوادگی در سِجَل یک ایرانی ثبت می‌شود. البته ثبت نام‌خانوادگی در ورقه هویت افراد و خودگرفتن اوراق سجلی، اختیاری است و اگر نگاهی ببندازیم به دفتر فرمی «احصائیه و نفوس شهر تهران» که چاپ‌شده سرشماری آمار ساکنان پایتخت، شهری و شمیران در فروردین ۱۳۰۰ زیر نظر «اداره احصائیه و سِجَل احوال» بلدیة تهران است، متوجه می‌شویم که در آن زمان کمتر کسی نام‌خانوادگی دارد. فقط معدود کسانی هستند از قشر روشن‌فکر جامعه که هم‌زمان با انقلاب مشروطه برای خود نام‌خانوادگی انتخاب کرده‌اند.

نخستین قانونی که ثبت نام‌خانوادگی را در سراسر کشور آسان کرد، قانون «الغای القاب و مناصب مخصوص نظام و القاب کشوری» مصوب ۱۵دیپهشت۱۳۰۴ پنجمین مجلس شورای ملی بود. مجلس شورای ملی بر اساس پیشنهاد زین‌العابدین رهنما عضو فراکسیون تجدد و نماینده تبریز، حسن تقی‌زاده نماینده تهران، ضیا واعظی و جمعی دیگر از نمایندگان، القاب و مناصب سپهسالاری، سپهداری، سرداری، سپهبدی، امیری مطلق، امیرنویانی، امیرنومانی، امیرپنجی و دیگر القابی را که مرکب از مضاف یا مضاف‌الیه سپاه، لشکر، جنگ، سالار و نظام هستند، ملغا و ممنوع می‌کند تا از این تاریخ این القاب به کسی اعطا نشود. در یک مورد اگر از القابی که مردم عامه در خطاب یکدیگر استفاده می‌کنند، بگذریم، در زمان ناصرالدین‌شاه فقط ۲۱۸ لقب نوعیه شغلی و ۴۰۰ لقب توصیفی شخصی داریم که در بعضی موارد برای چند نفر مشترک است و نسل به‌نسل به فرزندان صاحبان این القاب نیز منتقل شده است. پیشنهادکنندگان این قانون خواسته بودند در قبال حذف القاب، نام‌خانوادگی مرسوم شود. به‌هزرتیب، پس از این قانون است‌که افراد ملزم می‌شوند برای خود نام‌خانوادگی مناسبی انتخاب کنند. اگرچه تا سال‌ها رجال کشوری همچنان به القاب گذشته خود شهرت دارند و مردم عامه نیز همچنان با همان القاب گذشته‌شان خطاب می‌شوند. این مورد به‌حدی است که برای آن جریمه نیز در نظر گرفته می‌شود و افرادی که خود را به القاب ملغاشده نام‌گذاری می‌کنند، از یک تا ۱۰ تومان جریمه می‌شوند. در همین دوره اولین قانون ثبت‌احوال مشتمل بر ۳۵ماده در خرداد۱۳۰۴ تصویب می‌شود. براساس این قانون، مقرر می‌شود «همه اتباع ایرانی در داخل و خارج از کشور باید دارای شناسنامه باشند.» نهایتاً سه سال بعد، قانون ۱۶ ماده‌ای سِجَل احوال در ۲۰مرداد۱۳۰۷ به تصویب مجلس دوره ششم شورای ملی می‌رسد که اجبار می‌کند «هر شخصی باید برای خود اسم مخصوصی انتخاب کند.»

در ماده سوم این قانون چنین آمده است: هر شخصی باید برای خودش اسم مخصوصی انتخاب کند. زوجه و همه اولاد و احفاد ذکور آن شخص و همچنین همه اولاد و احفاد اناث و مادام که شوهر اختیار نکرده‌اند، به آن اسم مخصوص که نام‌خانوادگی است، موسوم خواهند بود. بنابراین هرکس دارای اسمی خواهند بود، مرکب از نام‌خانوادگی و نام شخصی، مثلاً (محمود کامران) به فرض اینکه محمود نام شخصی و کامران نام‌خانوادگی باشد و اولاد یک خانواده که در تحت کفالت نیستند، می‌توانند اگر بخواهند اسم خانوادگی‌علی‌حده برای خود انتخاب کنند.

تبصره۱- اسامی خانوادگی پس از ثبت در دفتر سِجَل احوال هر حوزه سِجَل احوال، مخصوص اشخاصی است که به نام آن‌ها ثبت شده است و دیگری حق اختیار آن اسم را در آن حوزه ندارد، مگر با رضایت کسی که اول آن اسم را به‌عنوان نام‌خانوادگی خود ثبت کرده است.

تبصره۲- هیچ‌کس حق ندارد اسم خانوادگی شخص دیگری را در حوزه سِجَل احوال که آن اسم ثبت شده است، اسم مؤسسه، تجارت‌خانه یا عنوان تلگرافی خود قرار دهد. ولی شعب تجارت‌خانه در سایر نقاط اسم مرکز اصلی را استعمال می‌کنند، ولو اینکه شخص دیگری اسم مزبور را در محل تأسیس آن شعبه قبل برای نام‌خانوادگی خود ثبت کرده باشد.

با تصویب قانون مدنی کشور در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، همه مردم ایران ملزم به ثبت نام‌خانوادگی می‌شوند، اما یک سال بعد که نام‌های خانوادگی به‌مرور در زندگی افراد نفوذ می‌کند و اهمیت آن روشن می‌شود، تازه برخی به صرافت آن می‌افتند که نام‌خانوادگی مناسبی انتخاب کنند. دراین‌باره، اداره سِجَل احوال و احصائیه‌کشوری به همه ادارات سِجَل احوال و احصائیه ابلاغیه می‌زند که در روزنامه اطلاعات در ۳۰مرداد۱۳۱۴ نیز منتشر شده است. در متن این ابلاغیه آمده است: «غالباً مشاهده می‌شود اسامی خانوادگی منتخب مناسب شئون و حیثیات افراد نبوده، بلکه موهن این نژاد تاریخی به شمار رفته و با قید‌های مخصوصی مقید شده که نه‌تنها قابل استفاده و استعمال نبوده، بلکه اسباب مسخره و کلام می‌رود[...]. در اطرار نام‌خانوادگی خود اِمعان‌نظر به شمار آن را رفع و در حسن انتخاب اسم ساعی باشند و بدانند اسم اعم از اسم شخص و خانوادگی تأثیر تامی در زندگانی داشته و قسمت اعظم تقدم‌وتأخر در شئون اجتماعی منوط به حسن یا سوءانتخاب اسم است.»

منابع:
استاد مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد آرشیو ملی

